



۲۰۱۶/۱۲/۱۸



عارف عباسی

کمک های سرشار نقدینه به طالبان هم زمان با حمایت رسمی دار الملک سعودی از حکومت افغانستان!

منبع: نیویارک تایمز

نویسنده: Carlotta Gall

مترجم: عارف عباسی

کابل- افغانستان- بعد از گذشت پانزده سال، مصرف نیم تریلیون دالر و ۱۵۰۰۰۰ تلفات جانی، امریکا حالا گلیم جنگی را که خود در افغانستان آغاز نموده، برچیده و پای خود را از چنین ماجرابی بیرون می کشد. می گویند افغان ها خود می دانند و جنگ شان. در عین حال شورشیان طالب با نیرومندی بیشتر از رسیدن مبالغ هنگفت پول بهره مند شده اند.

با تار خام بسته بودن آینده کشور، رهبران حکومت تقلائی زیادی برای استعانت جویی از قدرتی می نمایند که ایشان را در بقای نظام و پیمودن راه دمو کراسی مدد برساند؛ در غیر آن جز سر فرود آوردن در برابر هیبت طالب راه دیگری سراغ نمی گردد. درین جا قدرت از امریکا نبوده بلکه از عربستان سعودی است.

عربستان سعودی از لحاظ موقف خاص سیاسی اش در رابطه دو جانبه با معضله افغانستان، حائز اهمیت است. متحد دیرین پاکستان، عربستان سعودی همواره سیاست های طالب پروری و قدرت سازی طالبان را توسط پاکستان مورد حمایت قرار داده و کمک نموده است، هم چنان در طول سال ها شیخ های متمول سعودی و داعیه گرایان با پرداخت میلیون ها دالر کمک خود، جنگ طالبان را بطور خصوصی تمویل نموده اند.

گرچه بطور رسمی، ولی با کرختی، عربستان سعودی از مداخله امریکا در افغانستان و حکومت افغانستان پشتی بانی نموده و حتی برای یافتن راه صلح بطور نهانی و مخفیانه به نمایندگی هردو جانب تشبثاتی نموده است. تضاد هایی که به مشکل تصادفی بوده می تواند، بلکه برای متوازن ساختن خواسته های متنازع فیه در دارالسلطنه سعودی اقدامات رسمی و تشبثات خصوصی مترادف هم تعقیب گردید و صورت گرفت.

این سیاست دوگانه بحیث دستاویز، سعودی را در انکار از کمک به طالبان کمک کرده، در حالی که از پرداخت کمک های نقدی ثروتمندان عرب و تند گرایان سنی مذهب علنی چشم پوشی می نمایند. در نتیجه با کمک نمودن

توسط تشبثات خصوصی و شبکه های مخفی به طالبان، با مهارت سیاسی از خود یک واسطه بلا عوض در حل معضله افغانستان ساخته است.

طی مصاحبه ای، وزیر اسبق مالیه طالبان با نیویارک تایمز گفت که وی در ظاهر به بهانه زیارت چندین بار به سعودی سفر نموده و برای طالبان کمک نقدی جمع آوری کرده است.

به قرار اظهار ولی نصرمشاور دروزارت خارجه امریکا، به طالبان اجازه داده شده که بالای هزاران کارگر پشتون تبار در سعودی مالیه وضع نماید و با تهدید نمودن خانواده های شان در داخل افغانستان این مالیه را جبراً از ایشان بستانند.

در حالی که کمک های خصوصی سعودی طالبان را کمک می رساند، استخبارات سعودی مخفیانه اقداماتی برای میانجی گری بین طالبان و شاملین دیگر غرض ایجاد صلح نموده که مقامات طالبان طول و تفصیل آن را بصورت مکمل به نیویارک تایمز گزارش داده اند.

مقامات رسمی و تحلیل گران سیاسی را باور به آن است که در بازی چندین جانبه سعودی در ایجاد تساوی در دو جهت معادله جنوپالتیک، همواره حصول و توسعه علائق ستراتیجیک سعودی مضمّن است. هم چنان خطر آن متصور است که دست آورد های متزلزل دموکراتیک امریکا در طول ۱۵ سال گذشته با خنثی ساختن مساعی برای رهایی کشور، محو گردد.

بالآخره امریکا در موقفی قرار گرفته که متحد نام نهاد (فرضی) اش را متقاعد گرداند که یک نقش سازنده و مثبت را پیشه نموده از مساعی مخربانه دست بردارد. افغان ها سعودی را هم دوست و هم دشمن می پندارند. سؤالی مطرح می گردد که آیا مقامات افغان در صدد دریافت کمک اند که عربستان سعودی آن را فراهم سازد؟ شهزاده ترکی الفیصل که سازمان استخباراتی عربستان سعودی را در ظرف ۲۴ سال مدیریت نمود و بعداً تا زمان تقاعد در سال ۲۰۰۷ بحیث سفیر آن کشور در امریکا ایفای وظیفه نمود، این اظهارات را که سعودی طالبان را کمک می نماید چنین رد کرد: «تا زمانی که من در حکومت بودم یک سه پولی هم به طالبان کمک نشده است» او این تبصره را در یک ایمیل نمود. او می افزاید که «تدابیر جدی و نظارتی از طرف دار الملک سعودی اتخاذ گردیده بود که از مساعدت های مالی به گروه های تروریستی جلوگیری می کرد». (شاید طالبان نزد سعودی در فهرست تروریست ها شامل نبود. مترجم). این اظهار نظر مورد تأیید استیضاحی در ماه جون در برابر کانگرس توسط Daniel L. Glaser معاون سکرتری امور تمویل تروریزم اداره خزانه امریکا قرار گرفت.

دیگران می گویند این امر حقیقت ندارد، حنیف اتمر آمر شورای امنیت ملی طی مصاحبه ای گفت: «این تعاملی است که از سال ها بدین سو دوام داشته و ماشین جنگی تروریزم را در افغانستان و منطقه استمرار می بخشد که باید متوقف گردد».

گفتنش آسان ولی در عمل درآوردن آن دشوار است. عربستان سعودی بحیث تمویل کننده عمده قرار دارد که John Kerry وزیر خارجه امریکا از آن در این اواخر بحیث «پول متولی» یاد کرده که جنگجویان اسلام گرا و داعیه های شان را تقویت می بخشد.

به گفته آقای نصر این بخشایش تحایف تعقیب سیاست خاص عربستان سعودی است که حائلی از افراطیت سنی مذهب را در سرتاسر جنوب آسیا و آسیای میانه ایجاد و دور رقیب خود شیعه افراطی ایران را خط بکشد. بر انگیزتن و شعله ور ساختن این رقابت، بیرون شدن امریکا و به هوا پرتاب کردن سرنوشت افغانستان است، هر که قاپید.

به قرار اظهار مقامات رسمی حکومت، در ماه های اخیر طالبان حملات بس شدید و سنگین خود را با ۴۰۰۰۰ جنگجو در ۸ ولایت افغانستان به راه انداخته اند که توسط منابع مالی خارجی در حدود ۱ بلیون دالر تمویل می گردد.

عربستان سعودی کمک های معتنا به دفاعی و انکشافی را به حکومت افغانستان تعارف نموده و در عین حال مشایخ ثروتمند سعودی و ممالک خلیج مخفیانه بلیون ها دالر را بطور خصوصی بسوی سازمان های سنی مذهب، مدارس و دارالعلوم های دینی گسیل می دارند تا نسل های آینده افغانستان را مطابق دساتیر خود تربیت نمایند (البته کاری که ایران از سالها بدین سو برای سازمان های شیعه مذهب در افغانستان می کند. مترجم)

آقای نصر فعلاً امر بخش مطالعات پیشرفته مناسبات بین المللی جان هاپکنز یونیورسیتی در مصاحبه تلفونی گفت: « سعودی خواهان اشتغال مجدد است، این کشور برای شان اهمیت خاص دارد، چه در دهه هشتاد سرمایه گذاری معتنا بهی نمودند و سعی مزید بر آن است که خود را بیشتر مطرح و مرتبط سازند».

کمک های ولایت مآبانه!

حکومت استوار بر مش الهی طالبان بعد از ۷ سال بطور آتش گیری خاتمه یافت، سال ۲۰۰۱ بود که حکومت طالبان زیر بمباردمان هوایی امریکا که برای انتقام جویی حملات ۱۱ سپتمبر انجام داد به سقوط مواجه گردید. با تغییر قیافه بحیث یک داکتر توسط امبولانس هلال احمر، آغا جان معتصم وزیر مالیه طالبان از یک منطقه سرحدی منزوی موفق به فرار گردیده از سرحد عبور کرد، نامبرده طی مصاحبه این جریان را بیان داشت. در شهر سرحدی کوپته او و دیگر سران طالب به سازمان دهی و تنظیم دوباره جریان خود فعالیت نمودند که تا امروز فعال است و آغا جان معتصم بحیث امر کمیته مالی انتخاب گردیده و توقف اولین او عربستان سعودی بود.

مأوای ثروت سرشار عواید نفت و مقر دو مکان مقدس اسلامی، عربستان نه تنها بهترین و مناسب ترین محل برای عرض حال به شیخ های متمول عرب و بنیاد های مهم آن بود، بلکه به کمک دهندگان سائر ممالک اسلامی که برای ادای مراسم عمره و حج به سعودی می آمدند. بین سالهای ۲۰۰۲ و ۲۰۰۷ آقای معتصم دو سه بار در یک سال به بهانه زیارت به عربستان سعودی به منظور خاص جمع آوری کمک نقدی به طالبان سفر نموده است: «مسلمانان از ممالک مختلف برای عمره و مراسم حج به سعودی می آمدند، شیخ های سعودی هم اشتراک می ورزیدند و من کمک شان را برای جنگ می طلبیدم. سعودی ها در اعطای کمک تنها نبودند بلکه دیگران هم کمک می کردند» او افزود: «عربستان سعودی یگانه مملکتی بود که زمینه چنین دیدار ها را برایم میسر کرد».

پول جمع آوری شده توسط هزاران طریق مختلف، انتقالات به بانک های سرحدی و یا رسم احواله به کچکول طالبان می ریخت.

(چگونه آزادی چنین رفت و آمد و چنین تشبثات برای یک زایر عادی با پاسپورت جعلی توسط مقامات استخباراتی سعودی فراهم گردیده بود؟ آیا حکومت پاکستان در این فعالیت معتصم بی خبر و بی غرض بوده؟ چگونه می توان به بیانات شهزاده ترکی الفیصل باور نمود؟)

به اساس گفتار رحمت الله نبیل آمر اسبق دفتر استخبارات اداره امنیت ملی، سال گذشته قوای امنیتی افغانستان کشف نمودند که اعضای خانواده های القاعده با بسته های میله های طلا داخل شرق افغانستان گردیدند. مقامات سعودی می گویند برای شان ممکن نیست که میلیون ها زوار مسلمان را که به سعودی برای ادای مراسم حج می آیند شناسایی و نظارت نماید این مطلب را آقای Barnett Rubin مشاور نماینده خاص امریکا برای افغانستان و پاکستان اظهار نمود.

طالبان همیشه با پاسپورت های جعلی پاکستانی و نام های تقلبی به سعودی سفر می نمایند که برای مقامات سعودی قابل شناسایی نیستند این مطلب را یک مسؤول امور امنیتی منطقه بدون ذکر نام خود از واهمه ای که مبادا موجب بر افروختگی مقامات سعودی شود تذکر داد.

مساعی و در خواست های امریکا برای توقف این کمک ها بی نتیجه ماند. در سال ۲۰۰۹ مأمورین رسمی امریکا شکوه نمودند که طالبان و گروه های تندرو دیگر در موقع مراسم زیارت کردن میلیون ها دالر کمک بدست می آورند. این موضوع در تلگرام های افشاء شده رسمی توسط ویکی لیک نشر شد.

در دسمبر سال ۲۰۰۹ هیلری کلینتن وزیر خارجه امریکا در تلگرامی نوشت که: « عربستان سعودی عمده ترین منبع کمک های مالی به گروه های دهشت افکن سنی مذهب در سرتاسر دنیا است».

این مکاتبات مصادف به زمانی است که Richard C. Holbrooke بحیث نماینده خاص امریکا برای افغانستان و پاکستان ایفای وظیفه می نمود (وی در سال ۲۰۱۰ داعی اجل را لبیک گفت) و فعالانه مساعی به خرچ داد که کمک های خصوصی را به طالبان و القاعده متوقف گرداند. این کمک ها سالها قبل از موعد متذکره جریان داشته و منحصر به طالبان نمانده به جریان ISIS و یا ISIL (داعش) هم صورت گرفته.

درمراسله افشا شده ای ماه اکتبر سال ۲۰۱۴ هیلری کلینتن توسط ویکی لیک گفته شده که: «عربستان سعودی و قطر کمک های پنهانی و تقویت اکمالاتی برای داعش و جریانات تند گرای سنی مذهب در منطقه فراهم می سازند».

هیلری کلینتن نوشت: « این نوع کمک ها مبین یک سیالی عربستان و قطر بوده که برای تسلط برعالم سنیان رقابت می نمایند».

مساعی نهانی برای صلح!

ماه سپتمبر سال ۲۰۰۸ مصادف به ماه مبارک رمضان، ملک عبدالله پادشاه عربستان سعودی میزبان ضیافت افطاری در مکه بود و این از افطار های عادی در فرونشست آفتاب نبوده، بلکه این ضیافت نشانه مهم حمایت پادشاه از مساعی برای صلح مخفی ولی در حال تکامل بود که در بین مدعوین مأمورین رسمی حکومت افغانستان، بزرگان قومی و اعضای سابقه طالبان اشتراک داشتند.

در بین این ماه ها بطور محتاطانه در جده بندر بحیره سرخ، مقامات استخباراتی سعودی جلسه ای را منعقد گردانیده از جوانب متخاصم افغانستان خواست تا به یک معامله صلح توافق نمایند. از طرف طالبان آغا جان

معتصم، مردی که برای جنگجویان پول جمع می نمود بحیث نماینده شان معرفی گردید و از جانب مقابل فرستاده خاص حامد کرزی، برادرش قیوم کرزی نمایندگی می کرد. در طول سه روز مذاکرات فشرده و شدید که صرف با رفع خستگی متوقف می گردید با عدم توافق در مسائل و لجاجت ها نماینده سعودی آن ها را ترغیب به ملائمت و مسالمت می نمود.

مساعی صلح در سال ۲۰۰۶ آغاز گردید و اولین میانجی عبدالله انس الجزایری الاصل با داشتن شهرت و اعتبار در ده سال جهاد علیه شوروی در افغانستان بود. آقای انس در مصاحبه ای اظهار داشت که تصمیم به انتخاب سعودی بحیث جانب سوم و میانه رو در پیدا نمودن راه صلح از دو لحاظ است اول این که سعودی مقر دو مکان مقدس اسلامی بوده و ثانیاً مردم افغانستان را در نهضت مقاومت شان علیه اشغال شوروی کمک فراوان نمود. آقای انس گفت: «در منزوی ترین قصبه افغانستان عربستان سعودی مقام خاصی دارد». آقای انس فعلاً گرداننده یک شبکه تلویزیونی در لندن به نام المغربیه است. سعودی را دوباره به صحنه آوردن قانع ساختن بکار داشت، چه حادثه ۱۱ سپتمبر باعث آبرو ریزی سعودی گردید.

ایالات متحده و عربستان سعودی هر دو در دهه ۸۰ مجاهدین را تقویت نمودند تا اشغال شوروی را به عقب برانند ولی عکس العمل و برخورد طالبان در قبال این حوادث موجب خشم امریکا گردیده و پناه دادن اسامه بن لادن آخرین تار خام بود که برای سعودی بیشتر مغلق و دشوار بود.

با این که طالبان از تسلیمی بن لادن سرباز زدند و شهزاده ترکی الفیصل آمر استخبارات سعودی شخصاً چنین تقاضا را در سال ۱۹۹۸ نمود که برآورده نشد، ولی هنوز هم سلطنت سعودی روابط خود را با طالبان قطع نکرد. سعودی تا سال ۲۰۰۱ و متعاقب آن طالبان را حمایت و تقویت نمود و هم آهنگ با متحد عمده خود پاکستان سعودی نفوذ ایران را در منطقه تحت نظارت قرار داد.

«مشکل سعودی این است که افغانستان را از عینک پاکستان می نگرد» عبدالله انس این موضوع را با توضیح موانع تشبث صلح پالی اظهار داشت. برای رسیدن به صلح آقای انس می گوید که سعودی باید روابط مستقیم با افغانستان برقرار نماید.

کسانی که در مساعی صلح افغانستان شامل بودند بخاطر سری بودن این مذاکرات بدون ذکر نام خود می گویند که ملک عبدالله این مساعی را بر بنیاد احساس و ترحم روی دست گرفت. او این کار را علی الرغم مقاومت و مخالفت بعضی اعضای خاندان شاهی دنیال نمود چه یک عده شهزادگان با اشغال افغانستان توسط امریکا مخالف بودند و دیگرانی از شمول بیش از حد سعودی در افغانستان می هراسیدند.

برای رفع بی علاقگی و شک و تردید سعودی نسبت به افغانستان آقای انس نماینده سعودی را با خود به افغانستان برد که برایش بفهماند که با حضور عساکر امریکایی افغانستان یک جامعه اسلامی بوده مردمش مسلمانان معتقد اند و مکلفیت های دینی خود را انجام می دهند. حامد کرزی در سال ۲۰۰۵ برای پادشاه عبدالله که به سلطنت رسیده بود طی نامه خاص و متفاوت ضمن تبریک از او خواهش علاقه مندی به امور افغانستان را نمود که نتیجه داد.

ملک عبدالله با زعیم (پیشین) افغانستان در دم درب طیاره خود هنگام ادای مراسم حج دیدار نمود. آقای کرزی با نهایت ستایش از دوستی اش با ملک عبدالله تا امروز یاد می نماید. (وی در سال ۲۰۱۵ به رضای حق پیوست).

آقای کرزی در مصاحبه ای گفت که ملک عبدالله هیچگاه، هرگز و هیچ وقت تلفون او را لا جواب نمانده با پیدا نمودن فرصت دوباره در عین روز برایش تلفون نموده به حرف هایش گوش داده و خواسته هایش را عملی نموده.

آمر استخبارات سعودی شهزاده مقرین بن عبدالعزیز شخصاً مذاکرات صلح افغانستان را تحت نظر داشته و نماینده خاص خود را برای دو سال نزد معتصم و حکومت افغانستان می فرستاد. زمانی که مذاکرات در مرحله حساس اختتام خود رسیده بود، طالبان در یک مبارزه مهلک قدرت طلبی در گیر شده و تقاضای سعودی مبنی بر نکووش تروریزم توسط طالبان و گسستن روابط شان با القاعده عملی نشد. آقای معتصم متهم به سوء استفاده پولی گردیده برکنار شد.

در سال آینده یعنی ۲۰۱۰ حامی معتصم، ملا برادر قوماندان اعلی عملیات طالبان توسط پاکستان محبوس و معتصم توسط قاتل گماشته شده در آستان منزلش از پا در آورده شده ولی جان بسلامت برد و زنده ماند. این دو حادثه به تحلیل شاملین مذاکرات صلح، نشانه مخالفت پاکستان در تنظیم و تدویر مذاکرات صلح در سعودی بدون شمول شان است. (شهادت عبدالقیوم کرزی احتمالاً به این نا رضایتی ارتباط خواهد داشت. مترجم). آقای معتصم گفت: «این خود تخریب صلح جویی بود».

ملک عبدالله ضمن صحبت خودمانی با کرزی در سال ۲۰۱۰ گفت در این راه موانعی وجود دارد که از اختیار او بیرون است. کرزی یاد آوری می کند که پادشاه گفت: «من آرزو دارم افغانستان را کمک کنم» پادشاه گفت: «می خواهم افغانستان شاهد صلح را در آغوش گیرد و خودت با طالبان نشسته صلح را بیاورید، مگر باید بدانی که من آن چه را کرده می توانم که سعودی قادر به انجام آن است». این یک بیان بی نهایت با مفهوم و معنی دار بود، کرزی اظهار داشت: «بدین معنی است که قدرت های دیگری وجود داشت که از تحقق بخشیدن این آرمان ممانعت می کردند».

عضله در افق سیاسی !

با وصف همه تلاش های مخفی، پادشاهی عربستان سعودی بطور عام و رسمی در افغانستان وسیعاً حضور نداشت با سرتکانی (لب شوراندن) محض از تهاجم نظامی امریکا در افغانستان اظهار رضایت نمود، در ظرف پانزده سال کدام پروژه مهمی توسط سعودی در افغانستان اعمار نگردید.

ولی نادیده گرفتن رسمی مقامات سعودی در تضاد علنی قرار می گیرد که کمک های متنوعه ثروت سرشار سعودی بطور خصوصی به طالبان و جریانات همگون را در منطقه استحکام بخشیده. همچنان عامل الفاح ایجاد صد ها دارالعلوم و مدرسه و رشد گروه های افراطی سنی مذهب گردیده که مقامات افغانی می گویند که این بذر تخم بحران عظیمی برای آینده افغانستان است.

یکی از این افغان ها نثار کریم زاده است که یک نهاد کوچک تحقیقاتی را به نام صلح و ثبات مدیریت می نماید. آقای کریم زاده در هنگام تجاوز نظامی شوروی در پاکستان مکتب رفت و با جمعیت اهل سنت افراطی در آویخت: «شیعه ها مسلمان نیستند»، به قول آقای کریم زاده این ذهنیت و تبلیغ شان بود. سپس آقای کریم زاده از روش افراطیت مذهبی فاصله گرفت ولی تجارب خودش او را مضطرب ساخت چه پسر کاکایش عضو یک جریان افراطی به نام جمعیت اصلاح گردید: «من آگاهم که ایشان چگونه و چه را تدریس می کنند - آنچه خودم

را تدریس کرده بودند» آقای کریم زاده گفت: «هراس شخصی من این است که در پنج سال آینده ما با خطری مواجه خواهیم بود، روزی این ها جنگ را به راه می اندازند و ما مشکل بس بزرگ خواهیم داشت». به قول آقای کریم زاده جمعیت اصلاح شیوه افراط گرای دینی را تدریس نموده و مدعی اند که از لحاظ مالی متکی به خود بوده یک نهاد تعلیمی غیر سیاسی است و اما داشتن ۴۰ تا ۵۰ ساختمان، یک دارالعلوم و یک شفاخانه، مسلماً تمویل هنگفت بیرونی در آن شامل است. این مطلب را آقای نبیل آمر سابق دفتر استخبارات اظهار داشت. حساب بانکی جمعیت اصلاح کدام انتقال پول بیرونی را نشان نمی دهد به اساس راپور داخلی حکومت ولی مقامات حکومتی می گویند که این جریان توسط عربستان سعودی، قطر و امارات عربی کمک می شود. این جریان از زمره شاخه های تکثیر شده ای اعراب سنی مذهب با افکار تند رو و افراطی سنی گرایی است که در ممالک خلیج فارس روئیده و هدف آن رقابت با نظام افراطی شیعه ای ایران است.

این جدل دوگانه مبین حجم تمویل رقابتی بوده که به باور مسؤولین افغان و دیگران خطر را پهن می گرداند. در سال ۲۰۰۲ در افغانستان ۱۰۰۰ مدرسه بود و فعلاً در حدود ۴۰۰۰۰ مدرسه که اکثریت در سالهای اخیر تأسیس شده است. (البته ایران در این رقابت فعالانه شامل است. مترجم).

بعد از حملات دهشت افگانه بر یونورستی امریکایی و اجتماعات شیعیان نزد مقامات افغانی هراس درگیری های متخاصمانه مذهبی توسط سنی گرایان افراطی ایجاد گردیده. حاجی عبدالقهار عابد که بحیث صدراعظم (Chief of Staff) رئیس اجرائیه ایفای وظیفه می نماید هوشدار داد که بعد از سال ها جنگ و بریادی و بی جا شدن ها مردم افغانستان سخت آسیب پذیر اند. در مورد جمعیت اصلاح گفت: «هراس شخصی من این است که هم پیمانان شان ایشان را بر سبیلی رهنمون شود که مردم افغانستان باز هم صدمه ببینند».

حرکت دیگر جوانان که مورد توجه و علاقه مندی قرار گرفته، به قول مسؤولین امور، حزب التحریر یک تشکل مخفی ضد نظام بوده و فعالیت های زیر زمینی داشته است و اعضای زیادی را در آسیای میانه جلب نموده و مأمورین و شاملین سابقه جریان می گویند که این حرکت توسط کمک کنندگان خارجیان بشمول سعودی و دیگر ممالک عربی خلیج مصر و اروپا تمویل می گردد.

آقای مسعود رحیمی یک محصل پوهنتون می گوید که: «این حرکت سعی دارد که حتی الامکان با بیشترین مردم در تماس شده آن ها را به حزب جذب نموده تشکل را مستحکم نموده و بالآخره خلافت را اعلان نمایند. و افغانستان را بسوی یک بحران و منازعه بکشانند».

حالا کدام سعودی؟

بعد از انتخابات سال ۲۰۱۴ (کدام انتخابات؟ مترجم) رئیس جمهور فعلی افغانستان، اشرف غنی، عربستان سعودی را بحیث اولین مملکت برای دیدار رسمی اش انتخاب نمود، بعد از ۵ ماه در سفر دومش به منظور ملاقات با پادشاه نو سعودی، سلمان بن عبدالعزيز السعود، حمایت حکومتش را از مداخله نظامی سعودی در یمن اعلام کرد.

در مقابل اشرف غنی از رهبران سعودی التجاء نمود که کمک های مالی شیخ های سعودی را به طالبان قطع نموده و طالبان را به نشست به دور میز مذاکره تشویق نماید. «قرائن امیدوار کننده است» حنیف اتمر می گوید:

« ما تا حال کدام اقدام قاطع را در این مسیر مشاهده نکرده ایم ولی معتقدیم که ما در زمینه تعهد محکم داریم». ولی سائر دست اندر کاران و افغان ها عمیقاً مشکوک و نا باور اند.

یک دپلومات در کابل می گوید نظارت و پل پای کمک های خصوصی را به طالبان یافتن در واقعیت نا ممکن است، دپلومات دیگری که در سعودی کار کرده می گوید که او باور نمی کند که که ریاض تغییر موقف دهد و خاندان شاهی به مراکز قدرت تقسیم شده و بار ها در مخالفت با هم دیگر عمل می کنند.

ثقلت و گسترش تهاجمات اخیر طالبان بسی افغان ها را مشوش گردانیده

قرار اظهار آقای نادر نادری مشاور امور ستراتیجیک رئیس جمهور: «در سطح تمویل، در سطح تهیه امکانات و لوازم چون اسلحه و دیگر ضروریات و در سطح تقویت ساختاری در نحوه رهبری جنگ که دستیاب نموده اند بی سابقه است» آشکارا نشان می دهد که جنگی علیه افغانستان اعلام گردیده و پاکستان متحد سرسخت و دیرین سعودی عامل آن است.

آقای ع. عبدالله صدر رئیس اجرائیه به ریاست هیأتی سفری به سعودی نموده در ظاهر تقاضای کمک های انکشافی و سرمایه گذاری سعودی مطالب شامل مذاکرات بوده، ولی در ضمن از رهبران سعودی تقاضا بعمل آمده که اگر پاکستان را به نحوی متقاعد سازند که دیگر برای طالبان در خاک خود پناه ندهند. تقاضایی که بارها توسط کرزی صورت گرفته بود.

به قرار بیان آقای نصرالله ارسلایی مدیر عمومی سکرتریت شورای وزیران که جزء هیأت بود: « آن ها (سعودی) گفتند که چنین خواهند کرد و سعی می نمایند که با استعمال نفوذ خود در ممالک خلیج، علیه تروریزم اقداماتی صورت گیرد». وی افزود که: «عربستان سعودی می داند که اگر مشترکاً مبارزه نمائیم طالبان از سعودی پول آورده نمی توانند».

مگر روح الله وکیل یکی از بزرگان قومی عضو شورای صلح افغانستان گفت وی در این اواخر از مقامات سعودی التجاء نمود که مساعی صلح شورا را حمایت نماید که به این شورا صلاحیت مذاکره داده شده است؛ ولی سعودی ها دلچسپی نگرفتند. «آنها کر اند - ما تقاضا کردیم که ما را کمک کنید. حتی خواهش نمودیم که حد اقل برای ما خرما بدهند که به مهمانان خود تعارف کنیم ولی به ما هیچ ندادند.

ختم ترجمه